



ازدواج های آسیب زا

تهیه و تدوین : دکتر اصغر آقایی

ازدواج موفق، هسته اصلی و اولیه خانواده سالم را تشکیل می دهد. در یک تعریف ساده؛ ازدواج ، ارتباطی قراردادی بین دو انسان از جنس مخالف است که دارای ابعاد جسمی، جنسی، روانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، معنوی، و اخلاقی هستند. ازدواج تیغ دو لبه ای است که اگر با هدف، برنامه ریزی و شناخت صورت گیرد زندگی رضایت بخش را به دنبال دارد و در غیر این صورت منجر به نارضایتی می گردد.

نتایج ازدواج

انجام ازدواج آثار و نتایج بسیاری به همراه دارد. ارضای غریزه، تولید و بقای نسل، پاکدامنی و عفاف و آرامش و سکون و در یک معنا تامین بهداشت روان. اگر در ازدواج، بخش عمده بهداشت روان تامین نشود، ازدواج آسیب زا می شود و در این حالت، ازدواج به جای تامین بهداشت روان، تهدید کننده آن می شود.

امروزه مشکلات روابط زناشویی یکی از معضلات رایج میان زنان و مردان متأهل است که وضعیت روان شناختی و اجتماعی آنان را به گونه‌ای تحت تاثیر قرار می دهد که علاوه بر تخریب عملکرد فردی، شغلی و اجتماعی، موجب از هم گسیختن نظام خانواده‌ها نیز می گردد. تاثیر مخرب مشکلات بین زن و شوهر نه تنها بر جنبه بهداشت فردی، که بر بهداشت روان فرزندان و کل اجتماع می باشد بسیاری از این مشکلات، مقدمات دور شدن زوجین از یکدیگر (طلاق روانی) و موجبات جدا شدن، طلاق و یا حتی ازدواج مجدد را فراهم می نماید.

بخش عمده‌ای از این مشکلات ناشی از ناهماهنگی و ناهمگونی بین زن و شوهر در شروع ازدواج است به همین منظور آشنایی افراد در بدو ازدواج از مجموعه عوامل تهدید کننده یا آسیب زای ازدواج، می تواند چشم انداز روشن تری فراهم آورد تا پس از تشکیل خانواده با عمل انجام شده مواجه نگردد.

دیدگاه اسلام در مورد ازدواج

در دیدگاه اسلام، ازدواج یک امر و نیاز برخاسته از میل و خواستهای فطری است که توجه و تامین و پاسخ مناسب به این نیاز درونی حاکی از ادراک و معرفت اصلی تکامل در آدمی است.

انواع ازدواج :

(۱) ازدواج عاطفی
(هیجانی)

(۲) ازدواج
عقلانی (منطقی)

(۳) ازدواج اجباری
یا ناخواسته

(۴) ازدواج عقلانی /
عاطفی

ازدواج عاطفی (هیجانی)

ازدواجی است که در آن هیجانات، احساسات و انگیزه‌های فیزیولوژیک غالب هستند

در این نوع ازدواج افراد تحت تاثیر انگیزه و هیجانات شدید هستند

برای رسیدن به خواسته و تامین و ارضا انگیزه‌ها، معمولاً تن به هر امر و شرط و قراردادی داده

و هر نوع خواسته یا نقطه ضعفی را از طرف مقابل می‌پذیرند یا نادیده می‌گیرند.

در وضعیتی که فرد تحت فشار هیجانات اقدام به عمل می‌کند

معمولاً نقاط ضعف دیده نمی‌شوند یا فرد به شکلی آنها را کامل می‌بیند

در این نوع ازدواج تمام ویژگی‌های طرف مقابل، مثبت ارزیابی می‌شوند.

پس از فروکش کردن عواطف و هیجان‌های اولیه

گشتالت‌های ناقص نمایان می‌شوند

و نقاط ضعف و ناهنجاری‌ها جلوه می‌کنند

و زمینه‌ای برای تهاجم به یکدیگر می‌شوند.

ازدواج
عقلانی (منطقی)

ازدواجی است
که براساس

دوراندیشی، حساب گری، و
نوعی معامله گری انجام
می شود.

عشق و علاقه،
یا اصلا مطرح
نمی باشد

پست، مقام،
شغل و حرفه

مصالح خانوادگی و
اجتماعی

حساب گری های
مادی

یا جایگاه چندان
ندارد

اساس انتخاب ها
می شود

معمولا یکی از علل
تاخیر در ازدواج

و ازدواج های دیر رس در نزد
بسیاری از افراد ناشی از همین
موضوع می باشد.

ازدواج اجباری یا ناخواسته

ازدواجی است که یکی یا هر دو نفر دختر و پسر بنا بر دلایلی بدون انگیزه‌هایی که

ازدواج‌های نوع اول و دوم بدانها اشاره شد، به آن تن می‌دهند
این گونه ازدواج‌ها می‌تواند ناشی از نوع اجبار یا تحمیل باشد. مثلاً دختر را مجبور

می‌کنند با فردی که دلخواه او نیست ازدواج کند

یا به دلیل سن بالا، دختر یا پسر تن به آن می‌دهند

یا ناشی از روابطی بوده است که متأسفانه قصد ازدواج در آن نبوده است.

وجه مشترک تمام این ازدواج‌ها

بی میلی، بی احساسی و دل سردی است

یعنی زوج یا زوجین هیچ گونه دلیل فردی قابل قبولی برای آن ندارند

در چنین حالتی زوجین نه هیجان و انگیزه‌ای

و نه دلیلی منطقی برای پذیرش و ادامه آن می‌یابند.

ازدواج عقلانی – عاطفی

کشش‌های فطری و انگیزشی دل را به سوی طرف مقابل سوق می دهد

و عقل و منطق نیز، با حساب گری‌های خود مهر تایید بر آن می زند

این نوع ازدواج می تواند تامین کننده بهداشت روان ازدواج و خانواده باشد

زیرا برای ناملایمات و سختی های زندگی مشترک

هم دل و هم عقل و اندیشه، دلیل و برهان دارند

انتخاب‌ها، اصولی و با دقت و تامل صورت می گیرد

و عشق و عاطفه تداوم آن را تضمین می کنند

در این حالت کودکان نیز ثمره عشق مشترک می باشند

و حضور آنها، به عنوان یک مزاحم و سربار محسوب نمی شوند

بلکه میوه و محصول زندگی، منظور و محسوب می شوند

این دسته از زن و شوهرها در فراز و نشیب های زندگانی

باز هم عشق و عقل را وسیله حل مسائل و مشکلات می دانند

همان گونه که در سنگ بنای اول نیز این گونه عمل کرده بودند

از چهار نوع ازدواج عقلانی ،
هیجانی ، اجباری (ناخواسته) و
ازدواج عقلانی / هیجانی
آسیب زایی سه نوع اول زیاد
است.

شرایط یک ازدواج موفق

اقدام به
موقع



انتخاب
مناسب



ارتباط
صحیح



ازدواج
موفق

تعریف ازدواج آسیب زا

منظور از ازدواج آسیب زا، ازدواجی است که انجام و ادامه آن برای یکی یا هر دوی زوجین (زن و مرد) از درجه آسیب زایی با احتمال بالایی برخوردار است و امکان از هم گسیختگی و طلاق عاطفی یا طلاق واقعی در آن بیشتر از سایر ازدواج هاست .

ازدواج های آسیب زا

اگر چه هر گونه ازدواج دیگری که به عنوان ازدواج آسیب زا مطرح گردد، به نوعی، در قالب یکی از چهار نوع ازدواجی که شرح آنها آمد، قرار می گیرد، لیکن برای دقت نظر و افزایش توجه می توان اشکال دیگری از ازدواج های آسیب زا را نیز اشاره کرد که در نهایت تامین کننده بهداشت روان نیستند، از جمله:

الف: ازدواج هایی که شرایط
بین زن و مرد همگون نباشد،
شامل:

۱- سطح تحصیلات: معمولا ازدواج هایی که زن و شوهر در یک سطح بوده یا مخصوصا شوهر از سطح تحصیل کمتری نسبت به زن برخوردار باشد، احتمال آسیب زایی بیشتری دارند.

۲- سن: همانند سطح تحصیلات، به دلیل برخورداری سریع‌تر دختران از بلوغ عاطفی اجتماعی، بهتر است دختر چند سالی کوچک‌تر از پسر باشد یا حداقل در یک دامنه سنی مساوی باشند

اگر از همسر خود خیلی بزرگ‌تر باشید:

الف- این امکان وجود دارد که حوصله‌ی او را نداشته باشید.

ب- ممکن است برای همسر خود نقش والد را بازی کنید.

ج- در رابطه قدرت بیش‌تری پیدا می‌کنید و وسوسه می‌شوید که همسر خود را کنترل کنید.

د- ممکن است بخواهید خود را جوان‌تر از سن واقعی خود نشان دهید.

۲- سن:

و اگر از او خیلی کوچکتر باشید:

الف- این امکان وجود دارد که او به عنوان یک الگو و آموزگار نگاه کنید.

ب- ممکن است برای همسر خود نقش کودک را بازی کنید.

ج- ممکن است بخواهید خود را مسن تر از سن واقعی خود نشان دهید.

۳- پایگاه اقتصادی - اجتماعی: همگون

بودن و کفو بودن در این زمینه بهترین ملاک و معیار است. یکی از شعارهای کاملاً نگران کننده و نگرش شعارگونه‌ای که به شدت رایج شده و در عمل کمتر کاربرد دارد، این است که گفته می‌شود اصل دختر و پسر هستند که برای ازدواج باید تصمیم بگیرند و باید یکدیگر را دوست داشته باشند، هیچ گونه شک و تردید وجود ندارد. اما بدون لحاظ سایر فاکتورهای فردی، خانوادگی و اجتماعی این اصل خدشه پذیر است.

در ازدواج هایی که تنها دختر و پسر، بدون در نظر گرفتن مسائل خانوادگی اقدام می کنند، مخالفت ها و کشمکش های پس از ازدواج معمولاً حلاوت و شیرینی زندگی را زائل می کند.

این گونه ازدواج ها که معمولاً از نوع ازدواج صرفاً عاطفی یا صرفاً عقلانی می باشد. پس از سپری شدن دوران طلایی ماههای اول زندگی، به نوعی ایجاد **نوستالژیا یا غم غربت** کرده و دختر و پسر را به یاد خانه و خانواده انداخته و عشق و علایق به مادر و پدر و خانه و خانواده دوباره جایگزین عشق و محبت بین زن و شوهر می شود.

۴- نگرش به هستی و عقاید و اعتقادات مذهبی / اجتماعی

وجود فاصله زیاد بین زن و شوهر در این زمینه نه تنها آرامش طرفین را تهدید می کند، بلکه در تربیت فرزندان نیز بسیار تاثیر سو دارد. زیرا فرزندانی که در این گونه کانون های خانوادگی پرورش می یابند به شدت دچار تعارض، سردرگمی و اشکال در انتخاب راه و روش می گردند. بسیاری از اختلافات روانی، حتی شدیدترین نوع بیماری اسکیزوفرنیا، به نوعی به تعارض ها و دوگانگی های عقیدتی و تربیتی نسبت داده می شوند.

**ب: ازدواج‌هایی که فاقد معیارهای
عشق: صمیمیت، تعهد ، میل باشند**

**بدون وجود عشق، فرد فقط به خود و
خواست‌های خویش می اندیشد، بدون
صمیمیت، تعامل عاطفی وجود ندارد. بدون
تعهد، قول‌ها و شرایط فراموش می شود و
بدون مسئولیت نقش خود را در اداره
زندگی، خانواده و وظایف محوله ایفا نمی کند**

ج: ازدواج بدون میل و انگیزه‌های فیزیولوژیک

گرچه تنها هدف انسان از ازدواج ارضا نیازهای فیزیولوژیک نیست، لیکن از لحاظ فطری و ساختار انگیزش، یکی از علت‌های اصلی و اساسی ازدواج و تداوم زندگی می باشد. افرادی که به نحوی دچار مشکلات جنسی می باشند و صرفاً برای خاطر حرف دیگران و یا دلایل دیگر ازدواج می کنند، خانواده‌ای آسیب زا را پایه گذاری کرده‌اند، بررسی زمینه‌ها و نوع مشکل، توسط متخصصین و اقدامات درمانی، حداقل وظیفه این گونه افراد، قبل از ازدواج و در راستای ادامه زندگی زناشویی است.

ماهیت عشق

براساس نظریه مشهور اشترنبرگ با عنوان نظریه مثلثی (سه وجهی) عشق، سه عنصر فعال در روابط صمیمانه نقش دارد که ترکیب آن ها سبک های مختلف عشق را تعیین می کند

این سه عنصر یعنی میل، صمیمیت و تعهد هر يك به ترتیب سه مؤلفه هیجانی، رفتاری و شناختی پدیده عشق هستند.

میل (جذابیت): به انگیزه هایی اشاره دارد که به عشق رهنمون می شوند.

صمیمیت (تفاهم): به رفتارهایی اطلاق می شود، که نزدیکی عاطفی را افزایش می دهد. نزدیک بودن عاطفی شامل حمایت و درك متقابل، ارتباط برقرار کردن و سهیم کردن خود و دارایی هایمان با دیگری است.

تعهد: به دو گونه تصمیم باز می گردد

ابتدا تصمیم کوتاه مدتی مبنی بر این که آیا آنچه که هست راعشق بنامیم یا نه

و دوم تصمیم بر اینکه آیا برای حفظ آن عشق به سوي آینده ای قابل پیش بینی تلاش کنیم یا نه

تعهد بیشتر کارکرد شناختی دارد تا کارکرد هیجانی و شامل قصد هشیارانه و اراده می شود.

انواع عشق بر اساس نظریه مثلثی عشق اشتنبرگ

انواع عشق	میل	صمیمت	تعهد
فقدان عشق	ضعیف	ضعیف	ضعیف
عشق دوستانه	ضعیف	قوی	ضعیف
عشق شهوانی	قوی	ضعیف	ضعیف
عشق پوچ	ضعیف	ضعیف	قوی
عشق خیال انگیز	قوی	قوی	ضعیف
عشق مشفقانه	ضعیف	قوی	قوی
عشق ابلهانه	قوی	ضعیف	قوی
عشق کامل	قوی	قوی	قوی

**د: ازدواج با افراد بیمار
یا ازدواج بین بیماران
با یکدیگر**

گاهی تلقی افراد از ازدواج به عنوان یک وسیله برای درمان است. در بسیاری از اختلافات و بیماری‌ها، ازدواج به شکلی جدی بر شدت بیماری و اختلال می‌افزاید. ازدواج با افراد بیمار، مخصوصاً بیماری‌های شدید روانی، افراد دارای اختلال شخصیت، عقب ماندگان ذهنی، نه تنها تأمین کننده بهداشت روان نیست، بلکه موجبات تباهی نسل‌های بعدی را فراهم می‌سازد. در صورت لزوم برای ازدواج در این گونه موارد حتماً مشاوره‌های روانی و درمان قطعی ضرورت دارد. بیماری‌های ژنتیک و صعب‌العلاج نیز بدون مشاوره قبل از ازدواج از جمله و تشکیل خانواده می‌باشند.

اعتیاد (در صورتی که موفق به ترک مواد شد، لازم است تا یک سال از ازدواج خود داری کرد)

سوءظن و بدبینی شدید

ناسازگاری شدید با اطرافیان خشم و پرخاشگری شدید و انفجاری

افسردگی شدید

گوشه گیری افراطی به طوری که هیچ دوستی نداشته باشد

وسواس شدید

مشکلات و انحرافات جنسی، از جمله:

بی میلی به رابطه جنسی، تمایل به رابطه جنسی با همجنس و عدم تمایل به رابطه با جنس مخالف، اعتیاد به استمناء و تماشای فیلم ها و تصاویر سکس، اظهار نظرهای جنسی به نامزد و یا همسر درباره بدن دوستان او، لمس کردن و تماس های بدنی بی جا

**ه : ازدواج‌های فامیلی که به
نوعی مشکلات ژنتیک دارند**



**ازدواج بین افراد فامیل میزان وقوع و ژن
معیوب را افزایش می‌دهد. شدت وقوع
نقایص ژنتیک با نسبت فامیلی و درجه
فامیلی رابطه مثبت و مستقیمی دارد. در
صورت تمایل شدید در انجام این گونه
ازدواج‌ها نیز مشاوره دقیق ژنتیکی الزام
آورست**

ازدواج‌های آسیب‌زا

در تحقیقی که توسط امراللهی در سال ۱۳۸۹ انجام گرفت این نتیجه دریافت شد که رضایت زناشویی و رضایت جنسی در زنان دارای ازدواج فامیلی نسبت به غیرفامیلی پایین تر و تعارض زناشویی بالاتر است.

توصیه والدین برای تن دادن به ازدواج های فامیلی مهم ترین دلیل افراد برای این نوع ازدواج است که دلیل این توصیه شناخت بیشتر خویشاوندان از یکدیگر است . وصلت با خودی، اجبار و ازدواج های از قبل تعیین شده، دوستی های دوران کودکی و فشارهای بیرون از خانه برای ازدواج فامیلی از دلایل این نوع ازدواج است (فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد).

و: ازدواج با
افرادی که نگرش
غلط درباره ازدواج
دارند، شامل:

۳- ازدواج را
صرفاً رضای غرایز
جنسی دانستن

۴- ازدواج را فقط تولید
نسل دانستن و فقط به خاطر
داشتن فرزند و فرزندان
ادامه زندگی دادن

۱- نگرش منفی
نسبت به جنس
مخالف داشتن

۲- ازدواج را صرفاً
ادای تکلیف تلقی
کردن

۵- نا آگاهی یا داشتن
تصورات و باورهای غلط
نسبت به ابعاد اختلافی
بین زن و مرد

ز: ازدواج با تفاوت‌های فاحش در نوع علایق و شدت هیجان خواهی

معمولا آرامش زن وشوهر در کار یکدیگر در محدوده علایق و شدت هیجان خواهی و تنوع طلبی آنها قابل لمس است. در مواردی که بین زن وشوهر در این باره تفاوت زیاد باشد، یکی باعث رنج وآزار دیگری می شود

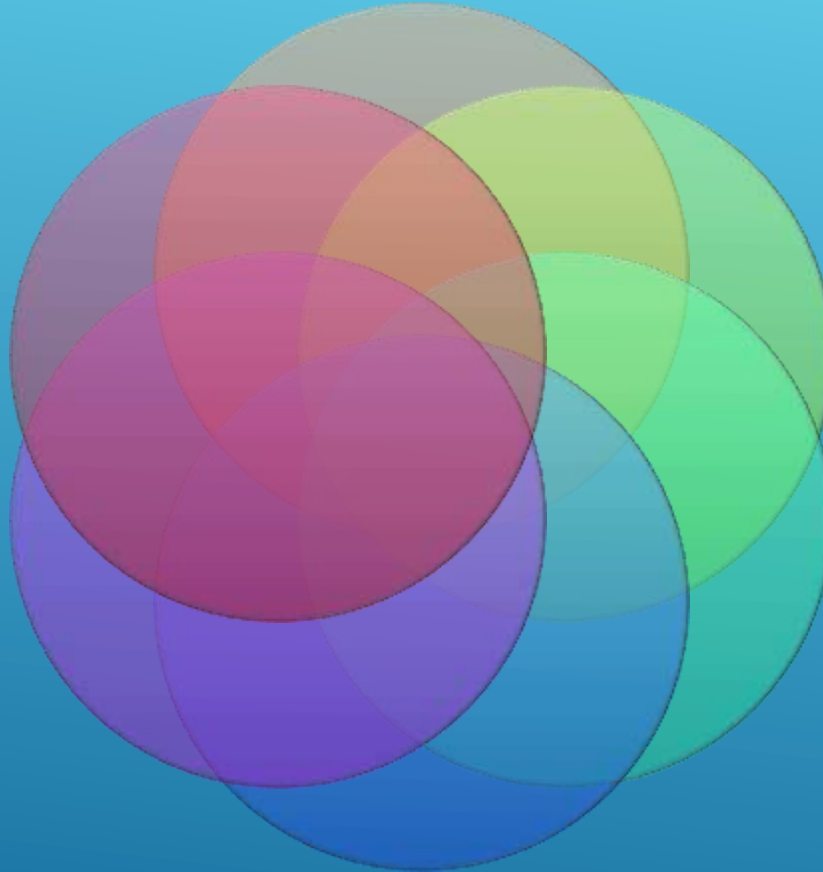
تحقیقات موجود در این باره نشان می دهد که این مشکل مخصوصا زمانی بغرنج تر می شود که زن نسبت به شوهر تنوع طلب تر و مخصوصا هیجان طلب تر باشد

در این زمینه تفاوت فاحش از لحاظ تیپ شخصیتی، مخصوصا بین تیپ شخصیتی A و B نیز باید مدنظر قرار گیرد

تناسب شخصیتی

سطح حساسیت یا زودرنجی: اگر شما از جمله افراد بسیار زود رنج و حساس هستید در صورتی که با فردی درست مثل خودتان ازدواج کنید دائم از هم خواهید رنجید. اگر هم همسر شما خیلی مقاوم و دیر رنج باشد درک حالات شما برایش مشکل خواهد بود، ولی در هر حال باید با فردی صبور و بردبار ازدواج کنید.

درون گرایی و برون گرایی: اگر ویژگی درو نگرایی شما بیش تر باشد به عنوان یک فرد درو نگرا شناخته می شوید. حالا اگر با فردی ازدواج کنید که در این ویژگی بیش تر به شما شبیه باشد راحت تر همدیگر را درک می کنید



برخی از صفات شخصیتی که تناسب آنها در ازدواج اهمیت فراوانی دارند عبارتند از:

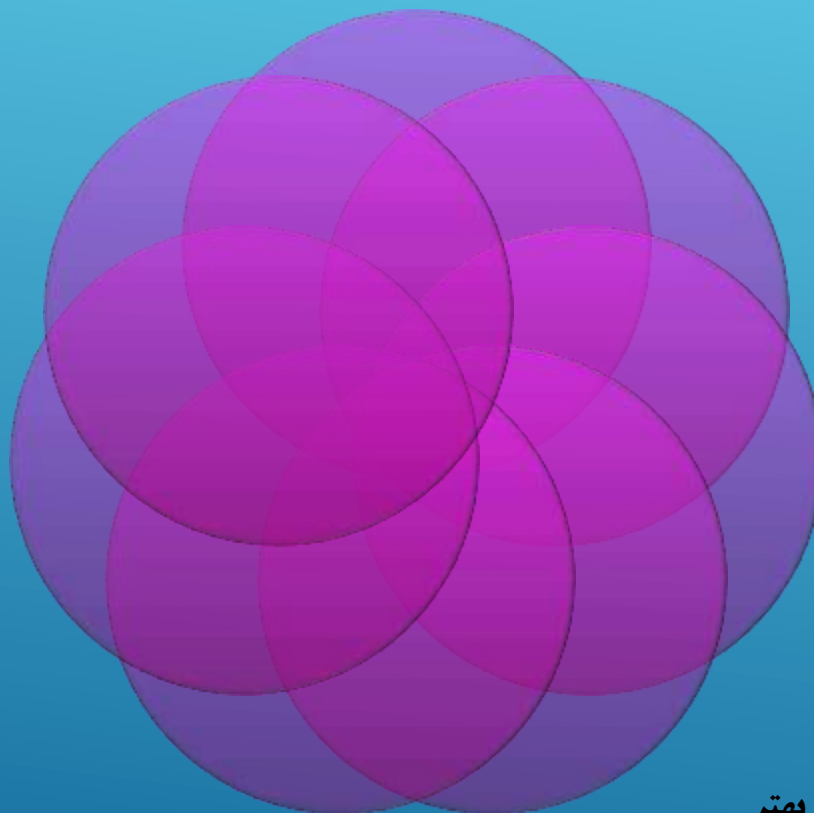
گرمی و سردی عاطفی:
لازم است طرفین در این مورد به همدیگر نزدیک باشند

سطح فعالیت و انرژی

به طور کلی هدف از طرح این موارد توجه به اهمیت و نقش شخصیت در زندگی است. لزومی ندارد بیش از حد حساس شوید و یا وسواس به خرج دهید.

برای فردی که زود اعتماد است، تحمل کردن فرد دیر اعتماد کاری بس دشوار است. باید توجه داشت که تغییر این ویژگی امری بعید و گاهی ناممکن است.

زود اعتماد و دیر اعتماد



در این مورد نیز اگر تفاوت زیادی بین طرفین وجود داشته باشد ممکن است حوصله همدیگر را سر ببرند و یا باعث کلافه شدن از دست همدیگر بشوند

زنانگی / مردانگی

از نظر برتری ویژگی های زنانه و یا مردانه، طرفین بهتر است با همدیگر شبیه نباشند تا به احساس رضایت بیش تری از ازدواجشان دست یابند

تناسب اعتقادی و مذهبی

باورها و ارزش های مذهبی از آن جا که در بسیاری از موقعیت های زندگی از جمله آداب معاشرت، نحوه پوشش، کسب درآمد، شیوه تفریح و مسافرت، انجام مراسم مذهبی و... بر تصمیم گیری و رفتارهای شما تأثیر گذار است، نقش مهمی در میزان تفاهم شما دارد حتی اگر در مواردی در ابتدای آشنایی تفاوت های موجود کم اهمیت به نظر برسند، در ادامه زندگی با تولد فرزند و در خصوص نحوه ترتیب او با شدت بیش تر بروز می کند، زیرا هر یک از شما تمایل دارید فرزندان را مطابق با ارزش های خود تربیت کنید و کم تر انعطاف نشان می دهید.

تناسب فیزیکی یا ظاهری

این مورد شامل صفات ظاهر اعم از فرم چهره، اندازه قد و وزن، رنگ پوست، میزان توان و سلامت جسم می باشد

هر چقدر تناسب در این زمینه بیشتر باشد، پذیرش هر یک از طرفین توسط دیگری راحت تر صورت می گیرد

اهمیت این تناسب تا حدود زیادی تحت تأثیر نظر خانواده، فامیل و دوستان طرفین قرار دارد

بدین صورت که واکنش های منفی آنها نسبت به عدم تناسب ظاهری، می تواند مشکل ساز شود.

تناسب اجتماعی

شأن اجتماعی، بسیاری از مناسبات اجتماعی افراد، از جمله نوع شغل، محل زندگی، کیفیت معاشرت و... را تعیین می کند

برای مثال اگر چه اشتغال برای مرد الزامی است؛ زیرا مسؤول تأمین معاش خانواده است؛ و برای زن بستگی به نگرش او دارد

اما توجه داشته باشید که شأن اجتماعی شما گاهی ایجاب می کند تا به نوع شغل؛ چه برای مرد چه برای زن؛ حساس باشید

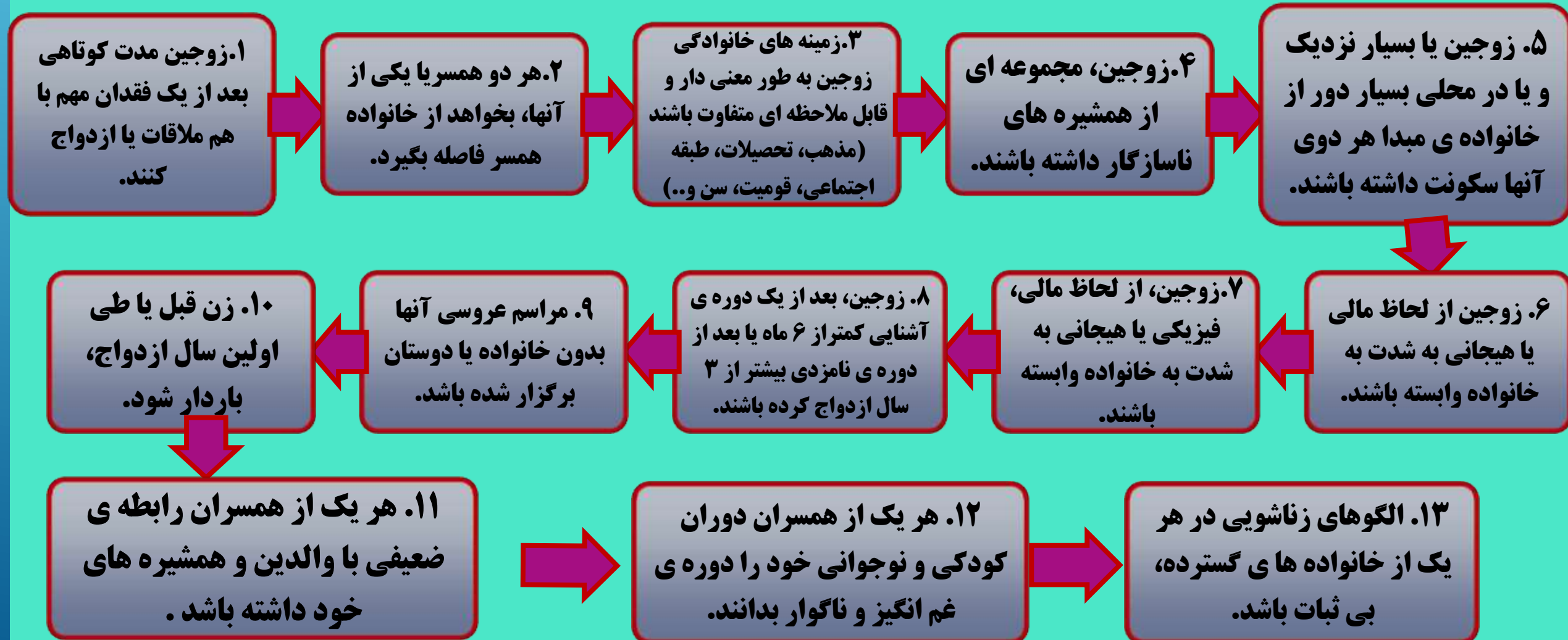
به طور کلی تناسب شما با همسران در بعد اجتماعی بر همسانی شیوه زندگی شما بسیار تأثیر گذار است

نکته قابل توجه این که به دلیل برخی از تحولات اجتماعی و اقتصادی، طبقات اجتماعی برخی از خانواده ها در ظاهر به هم می خورد

در حالی که آن خانواده ها هنوز از فرهنگ اجتماعی طبقه قبلی برخوردار هستند

بنابراین باید وضعیت گذشته خانواده ها را هم در نظر گرفت.

عواملی که به صورت منفی بر ازدواج تاثیر گذار هستند از دیدگاه کارتر و مک گولدريک



اسطوره ها و باورهای غلط در مورد ازدواج

ازدواج باعث درمان مشکلات روانی است.

اساس ازدواج فقط و فقط عشق است.

عشق در داستانهاست و در زندگی واقعی وجود ندارد.

ازدواج راهی است برای ثروتمند شدن.

ازدواج راهی است برای تضمین زندگی

ازدواج راهی است برای پیشگیری از انحراف فرزندان

ازدواج راه حلی است برای فرار از مشکلات

ازدواج راهی است برای جلب رضایت والدین

دوستی قبل از ازدواج تضمین کننده یک ازدواج موفق است.

حالا ازدواج کنیم، بعد تغییرش میدم.

باید با کسی ازدواج کنم که کامل باشه.

زن باید وارد یک زندگی کامل بشه.

اسطوره ها و باورهای غلط در مورد ازدواج

ازدواج می کنم و بعد طلاق می گیرم.

چون آدمی است که خیلی به خانواده خود اهمیت می دهد پس حتما در زندگی مشترک موفق خواهد بود.

مهریه تعیین کننده موفقیت در ازدواج است.

شاید با دیگری ازدواج می کردم خوشبخت تر بودم.

ازدواج یعنی اسارت

زن و شوهر باید شبیه هم باشند.

مرد باید همه ی مشکلات همسرش را حل کند.

به هیچ کس نباید اعتماد کرد، مردها غیر قابل اعتماد هستند و زن ها فریبکار

زن باید تابع و مطیع مرد باشد.

چون خودم تصمیم گرفتم باید تا آخرش برم.

افرادی که طلاق می گیرند حتما آدم های مشکل داری هستند.

رابطه ی جنسی پدیده ای گناه آلود یا زشت است. مهم این است که جوان ازدواج کند، بقیه مسایل حل می شود.

یک ازدواج هر چند ناموفق بهتر از مجرد است.

مهم این است که جوان ازدواج کند، بقیه مسایل حل می شود.

یک ازدواج هر چند ناموفق بهتر از مجرد است.

اسطوره ها و باورهای غلط در مورد ازدواج

همسر تنها تکیه گاه عاطفی است.

زندگی با ازدواج معنا می یابد و بدون ازدواج زندگی بی معنا است.

همسر وسیله ای برای رفع همه مشکلات و کمبودها است.

همسر من باید همه تنهایی من را پر کند.

همسر من باید از هر لحاظ شبیه من باشد و یا بشود.

همسر من باید از هر لحاظ کامل و بی نقص باشد و یا بشود.

همسر من باید آن گونه که من می خواهم و یا درست می دانم ، زندگی کند.

همسرم باید بدون این که بگویم، خودش نیاز ها، خواسته ها و احساسات مرا درک کند و اگر من به او بگویم دیگر ارزشی ندارد.

پس از ازدواج باید تمام دوستان دوران مجردی و تفریحات مجردی را کنار گذاشت

عشق و علاقه به همسر همواره باید ثابت باشد و تغییر نکند.

اگر همسرم به من علاقه دارد، باید بتواند هر شرایطی را به خاطر من تحمل کند.

اسطوره ها و باورهای غلط در مورد ازدواج

اگر همسر من به من علاقه دارد ، باید به خاطر من حاضر به انجام هر کاری باشد.

اگر همسر من به من علاقه دارد ،نباید تحت هیچ شرایطی با خانواده من مشکلی داشته باشد.

در صورت بروز اختلاف همسر من با خانواده اصلی من حتماً باید مطابق میل والدین من رفتار کنیم، چون که آنها زحمات زیادی برای ما کشیده اند.

اگر خطاهایم را بپذیرم و عذرخواهی کنم ، باعث گستاخ شدن همسر من می شود.

اگر از حرف و نظر و موضع خودم کوتاه بیایم، اقتدارم را در زندگی از دست می دهم.

صدمات وارد شده به رابطه اولیه من با همسر من و یا خانواده او قابل جبران نیست.

همسر من باید مرا خوشبخت کند و از همه نگرانی ها و رنج ها نجات دهد.

اسطوره ها و باورهای غلط در مورد ازدواج

همسرم نباید به غیر از من به چیز و یا فرد دیگری علاقه داشته باشد.

همسرم باید همه زحمات و فداکاری های مرا جبران کند و بابت آنها همواره از من تشکر کند.

همسرم نباید از من انتقاد کند و نباید از من ناراحت و عصبانی شود.

همسرم باید با تمام وجودش مرا دوست داشته باشد.

همسرم باید از هر لحاظ مرا اغناء، اشباع و تامین کند.

همسرم نباید چیزی غیر از من در ذهنش باشد.

بین من و همسرم نباید هیچ فاصله و هیچ راز پنهانی وجود داشته باشد.

همسرم باید مرا به آرزوهایم برساند و آسایش مرا تامین کند.

همسرم باید آنچه می گویم را حتی اگر نادرست باشد انجام دهد.

الف) رشد فکری لازم
برای ازدواج، دو بعد
عام و خاص دارد:

یعنی رشد و پختگی
در سه جنبه فکری،
عاطفی و رفتار.

بلوغ شخصیتی

رشد فکری به
صورت عام یعنی:

داشتن یک نظام فکری و
اعتقادی نسبتاً پایدار (که
فرد را قابل اعتماد و
افکارش را قابل پیش بینی
کند)

برخورداری از
تفکر انتقادی (یعنی
توانایی منطقی
اندیشیدن)

قدرت تفکر قبل از
عمل و تفکر مستقل

مهارت حل
مساله و تصمیم
گیری

تفکر واگرا (یعنی توانایی دیدن
مسائل از زوایای مختلف به
خصوص از نگاه دیگران)

ب) بلوغ عاطفی

بلوغ عاطفی یا احساسی یعنی توانایی
ادراک و مدیریت هیجانی. اگر شما
بتوانید:

احساسات منفی و مثبت خود را
بشناسید و به درستی کنترل و ابراز
کنید

احساسات دیگران را درک کنید و بتوانید با
واکنش درست و به موقع هیجانات آنها را
کنترل کنید به طوری که نتیجه آن همدلی با
آنها و درک متقابل باشد

ثبات رفتاری یعنی رفتارهای
فرد در موقعیت های مختلف
قابل پیش بینی باشد.

مهم ترین شاخصه های
پختگی رفتاری عبارتند
از:

ج) پختگی رفتاری

نشانه آن است که شما به یک پختگی
عاطفی رسیده اید. لازمه رشد در این
زمینه پرورش هوش عاطفی (EQ)
است.

مسئولیت پذیری

انعطاف پذیری و
قدرت سازگاری با
محیط

بلوغ اجتماعی

یعنی قابلیت زندگی
اجتماعی با ایفاء نقش
های متعدد

شما در صورت پختگی
در این زمینه خواهید
توانست

همسر خوب و وظیفه
شناسی باشید

لازمه رشد در
این زمینه

را نیز در حد
متعادل ایفا کنید

نقش فرزندی، خواهر و یا
برادری، کارمندی و یا
دانشجویی و ...

در عین حال نقش
های قبلی؛ از جمله

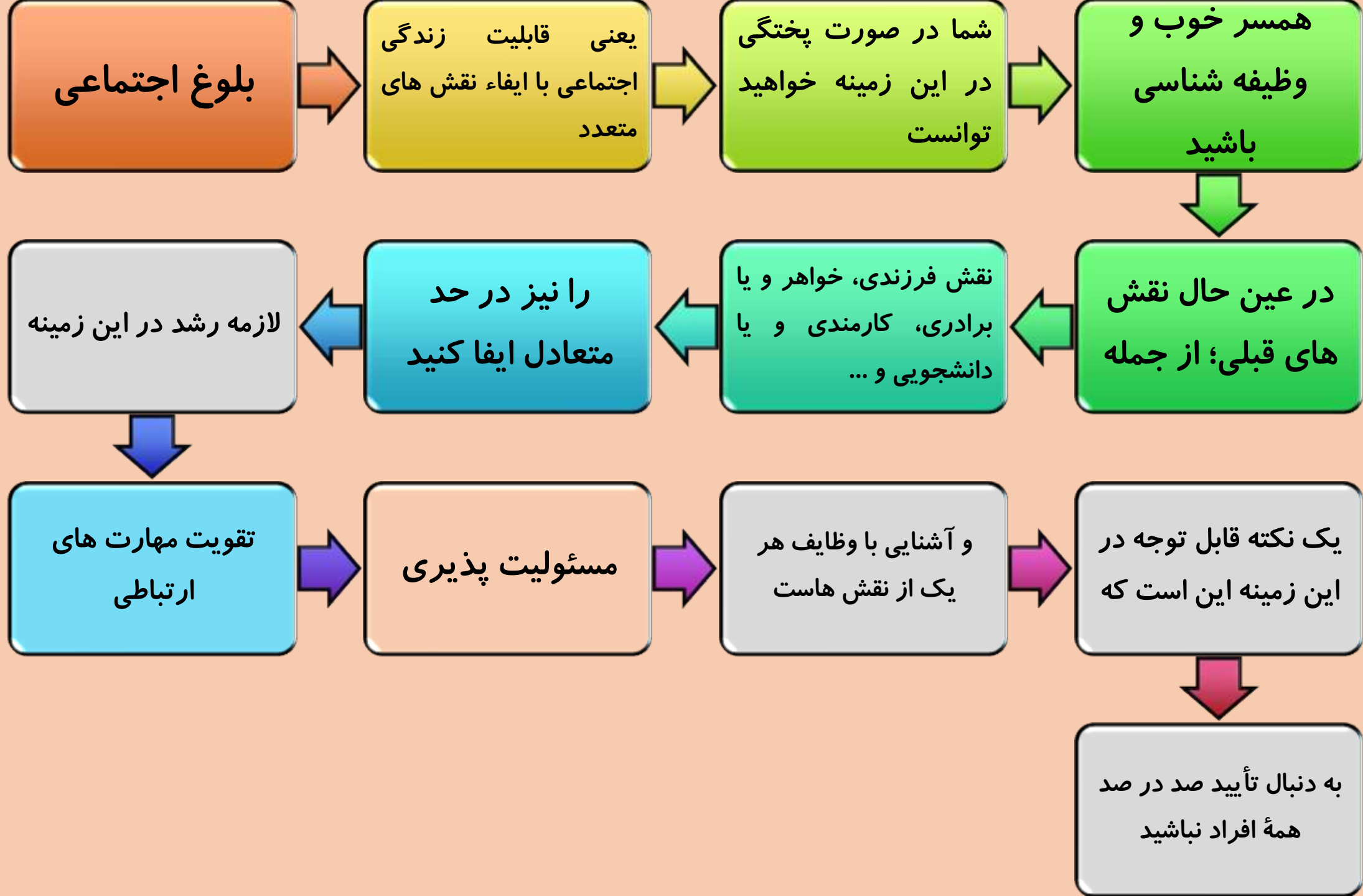
تقویت مهارت
های ارتباطی

مسئولیت
پذیری

و آشنایی با وظایف
هر یک از نقش
هاست

یک نکته قابل توجه
در این زمینه این
است که

به دنبال تأیید
صد در صد همه
افراد نباشید



بلوغ اقتصادی

یعنی توانایی تأمین و مدیریت اقتصادی و مالی یک خانواده
حداقل دو نفره

به صورت مستقل و قابل پیش بینی

یعنی شما بدون تکیه بر دیگران

حداقل رفاه ممکن در حد تهیه مسکن (ترجیحاً
مستقل)

و تأمین مخارج اولیه از جمله

خوراک، پوشاک، هزینه های درمان و تفریح

خود و همسرتان را متناسب با نیاز و شأنتان تأمین نمایید.

بلوغ جنسی

برخورداری از تمایلات

باورها و افکار جنسی طبیعی

از ضروریات یک ازدواج موفق و سالم است

قبل از اینکه تصمیم به ازدواج بگیرید

حتماً با یک مشاور ازدواج

درباره میزان تمایلات و گرایش های جنسی خود

و هم چنین باورها و افکارتان

درباره این موضوع، مشورت کنید.

ازدواج سفید (همباشی)

"cohabitation"

معادلی برای آن در فرهنگ آکسفورد
وجود ندارد، اما در فرانسه به ازدواجی "قانونی و
بدون روابط جنسی" معنی شده است

به ازدواج هایی دلالت دارد که با انجام مراسم
قانونی برای دور زدن قانون مهاجرت یا مسائل
دیگر از آن استفاده می شود.

(white marriage)

(A marriage without sexual relations)

در فرهنگ آکسفورد، ازدواج سفید به معنای "همباشی" آمده است، یعنی حتی فرهنگ غرب نیز این رابطه را ازدواج نمی داند و "همباشی" تعریف می کند

“cohabitation”

(Live together and have a sexual relationship without being married)

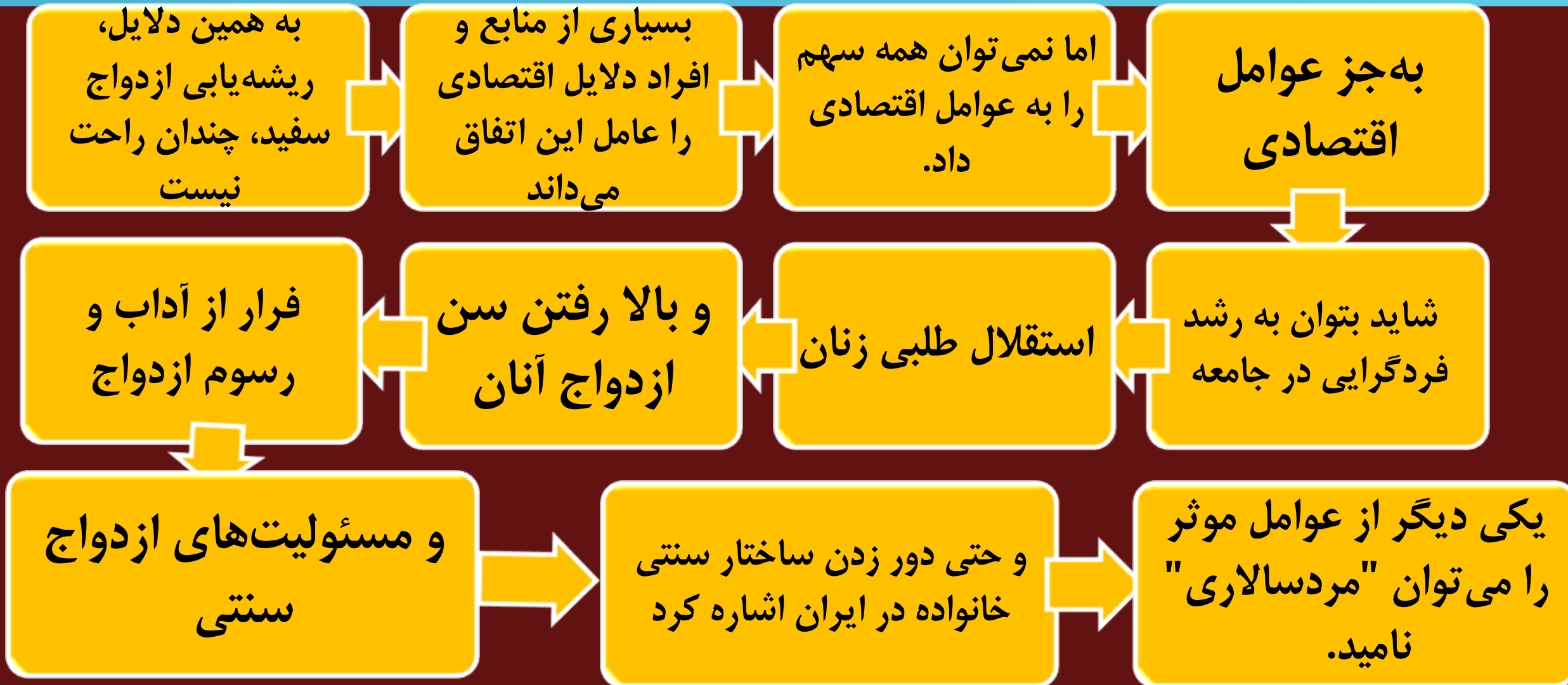
چیزی که از آن به زندگی
مشترک زن و مرد به همراه
روابط جنسی بدون ازدواج
یاد می شود، همباشی گویند

استفاده از واژه "ازدواج سفید" برای زندگی مشترک زن و مرد به همراه روابط جنسی بدون ازدواج مناسب نیست و استفاده از آن ناصحیح و نامناسب و پیگیری خط رسانه های ضد دین به نظر می رسد. رخداد نامناسبی که غرب آن را "همباشی" می داند دلیلی ندارد از سوی کشوری مسلمان و مبادی آداب و رسوم دیرینه اجتماعی "ازدواج سفید" نام گذاری شود. باید دقت کرد اینکه رسانه ها گزارش و مصاحبه بگیرند و بدون آگاهی از چند و چون و مقدار آن خبر از رواج "ازدواج سفید" یا "سپید" دهند ، خود نوعی تبلیغ و عادی سازی این نوع رابطه نامشروع خواهد بود. رابطه ای که در دین، فرهنگ و اجتماع تعریف نشده و تابوست. ضمن اینکه واژه زیبای "ازدواج سفید" برای مفهوم نازیبای آن بسیار نادرست و قابل تامل است و نوعی زیبا جلوه دادن یک تابوی اجتماعی و حرام شرعی و دینی است

ذکر این نکته نیز ضروری است که به مرور زمان ساختارهای حقوقی در ایالت متحده شکل گرفت که حق و حقوق زوجین را در این نوع ازدواج و همچنین وضعیت فرزند احتمالی را، مشخص می‌کند

این نوع ازدواج تا سال های ۱۹۷۰ ممنوع بود. اما پس از آن طی یک فرآیند نسبتاً بلندمدت به عنوان یکی از سبک‌های زندگی پذیرفته شد. به طوری که براساس آمارهای موجود، در حال حاضر، بیش از دوسوم زوج‌های آمریکایی، ازدواج سفید داشته‌اند و یا همچنان به همان سبک زندگی می‌کنند.

موانع ازدواج دائم دلیل عمده رواج ازدواج سفید



مشکلات ازدواج دایم

از اصلی‌ترین مشکلات ازدواج دائم می‌توان به قیمت و اجاره سرسام آور مسکن، بیکاری، بالاتر رفتن سن ازدواج در میان زنان و مردان بر اثر عوامل مختلف، اشاره کرد.

آمارها نشان می‌دهد نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی ۲ برابر نرخ عمومی بیکاری در کشور است. در گروه تحصیلکرده‌های دانشگاهی، نرخ بیکاری زنان تا ۵۰ درصد افزایش یافته و عموماً بنگاه‌ها و کارفرمایان اقبال چندانی به پذیرش کارجویان فارغ التحصیل دانشگاهی ندارند.

دلیل استخدام نکردن فارغ التحصیلان دانشگاهی این است که آن‌ها اغلب مهارت‌های عملی لازم برای کار را در دانشگاه آموزش نمی‌بینند. به علاوه، کارفرمایان برای مطمئن شدن از کیفیت بالای کارکنان خود، انتظار دارند که متقاضیان حتماً سابقه کار داشته باشند.

پیامدهای ازدواج های سفید

مصطفی اقلیما، رییس انجمن مددکاری ایران، معتقد است که این نوع ازدواج به ضرر دختر ایرانی است. چرا که هیچکس حاضر نیست با دختری ازدواج کند که قبلا با کسی رابطه داشته است.

دکتر مجید ابهری نیز، از روند رو به رشد این پدیده، ابراز نگرانی کرده و می افزاید: «۹۰٪ ازدواج های سفید بین بیوه های جوان اتفاق می افتد. به علاوه آنها که به دلایل مختلف، نمی توانند ازدواج دائم داشته باشند، رو به این نوع ازدواج آورده اند که این روند نگران کننده است. به این دلیل که در ایران، مشروعیت قانونی و شرعی به این نوع ازدواج داده نشده است.»

به علاوه، ابهری دلیل رواج این نوع ازدواج را در ایران، «نفوذ شبکه های ماهواره ای و فضای سایبری» در ایران دانسته و راه حل را در فرهنگ سازی برای بازگشت به ازدواج دائم و همچنین از بین بردن موانع ازدواج دائم می جوید.

ازدواج سفید از نگاه جامعه‌شناسان

این که می‌گویند ازدواج سفید وارداتی است به این دلیل است که این سبک زندگی کردن زنان و مردان از کشورهای عمدتاً اروپایی آغاز شده و به سایر کشورهای جهان انتقال یافته است. این را دکتر «سعید معیدفر»، جامعه‌شناس هم تأیید می‌کند.

به گفته او ازدواج‌های سفید شیوه رایجی است که نخستین بار در کشورهای توسعه‌یافته اتفاق افتاد و به آن «ازدواج عرفی»، می‌گفتند. در این نوع ازدواج‌ها دختران و پسران بدون رفتن به کلیسا زندگی مشترکشان را شروع می‌کردند.

به گفته معیدفر هرچند با توجه به شرایط خاص سنتی و مذهبی جامعه ایران عده‌ای نگران هستند و می‌گویند باید با این ازدواج‌ها مقابله کرد، تأکید می‌کند که اگر سیاست‌گذاری‌ها به سمتی برود که جهت‌گیری درستی داشته باشد همین موضوع یعنی زندگی مشترک دختران و پسران را می‌توان به فرصتی برای تشکیل خانواده تبدیل کرد.

او می‌گوید: «ازدواج‌های سفید می‌تواند پیامد منفی هم نداشته باشد بسته به این که مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی چطور به آن توجه کنند. یکی از دلایلی که الان عده‌ای ترجیح می‌دهند با این شیوه زندگی مشترکشان را آغاز کنند به نوعی فرار از سختی‌ها و مشکلاتی است که ازدواج به شکل سنتی دارد

فریبا ذاکر: آسیب شناس

به گفته او اگرچه نگاه خوشبینانه به این نوع زندگی‌ها این است که در آینده به ازدواج‌های ثبت‌شده منتهی شوند، اما نگاه دیگری هم وجود دارد و آن این که این زندگی‌های مشترک چندی بعد بپاشد. در آن شرایط ما با آسیب‌های اجتماعی جدیدی مواجه می‌شویم. یکی از این آسیب‌ها می‌تواند افزایش تعداد زنان تنها در سنین بالا باشد که ممکن است به دلیل همین سبک زندگی از پشتوانه‌های لازم برخوردار نباشد.

«خارج از ایران زنان و مردانی که با هم زندگی می‌کنند اما ازدواج آنها ثبت کلیسایی ندارد از حقوق مشخصی برخوردارند. مثلاً اگر قرار باشد یک روز جدا شوند حق و حقوق مشخصی دارند اما سبکی که به نام ازدواج سفید در ایران رایج شده زنان و مردان را بدون پیش‌بینی هیچ حقوقی کنار هم قرار می‌دهد.»

فریبا ذاکر: آسیب‌شناس

به اعتقاد او اگرچه تعدادی از همین ازدواج‌های سفید ممکن است در سال‌های آینده به ازدواج‌های رسمی تبدیل شود اما همان پیامدهایی که مثلاً در ارتباط با زوج‌هایی که ازدواج‌های صیغه‌ای دارند به شکل بیشتری در این نوع از ازدواج‌ها وجود دارد؛ یکی از آنها بحث فرزندانی است که ممکن است متولد شوند و در شرایطی که ازدواج افراد ثبت نشده است، این بچه‌ها با مجموعه مشکلاتی مواجه می‌شوند.

فریبا ذاکر: آسیب شناس

به گفته «ذاکر»، رواج ازدواج‌های ساده، مهریه‌های سبک و کاستن از بار سنگین سنت‌ها کمک می‌کند که جوانان بتوانند بدون ترس و وا همه تن به ازدواج‌های ثبت شده بدهند؛ ازدواج‌هایی که به اعتقاد او حتی اگر پایدار هم نباشند اما عوارض کمتری نسبت به ازدواج‌های سفید دارند.

او می‌گوید: «فرض کنید دو نفر ازدواج ثبت نشده دارند و در این بین اختلافاتی پیش می‌آید و بچه‌ای هم در راه است در این شرایط تکلیف این بچه چه می‌شود؟ حتی زمانی که افراد ازدواج رسمی هم کرده باشند در این شرایط بچه‌ها آسیب می‌بینند چه برسد به شرایطی که هیچ چیز ثبت نشده‌ای وجود ندارد و افراد هم اصولاً در هنگامه جدایی و دعوا نمی‌توانند به تفاهم‌های عقلایی برسند.

طبق نتایج پژوهشی در یک کالج آمریکایی اطفال، نشان داده شد خیانت و رفتارهای پرخاش گرانه در بین زوج‌های هم‌خانه‌ای (ازدواج سفید) بیش‌تر مشاهده می‌شود. علاوه بر این، فرزندان این نوع زوج‌ها، در مقایسه با زوج‌های دیگر، بیش‌تر در معرض خطر تولد زودرس، شکست تحصیلی، تحصیلات پایین، تجربه فقر در دوران کودکی و درآمد پایین در بزرگسالی، زندانی شدن (incarceration) و مشکلات رفتاری، تک‌والدینی (single parenthood)، مشکلات بهداشتی و سلامتی (اعم از جسمانی و روانی)، سوء مصرف مواد و سوء استفاده کودکی، قرار دارند.

هم چنین زنانی که تن به این نوع ازدواج‌ها می‌دهند، بیش از زنانی که ازدواج رسمی می‌کنند، فرزندان خود را قبل از تولد، سقط می‌کنند.

Lee. Patricia (2014) The Effects of Parental Cohabitation on Children. The American College of Pediatricians.

در توجیه این یافته‌ها و بر اساس برخی پژوهش‌های نظری، از آنجائی که ازدواج رسمی متضمن تعهد اجتماعی و قانونی بیش‌تری است، رفتار توأم با همکاری بین والدین، قدرت بیش‌تری به زنان می‌دهد و می‌تواند استرس فرزندپروری را کاهش دهد، که خود منجر به پیامدهای فرزندپروری بیش‌تر خواهد شد.